



کریم اہل بیت

امام حسن مجتبیٰ علیہ السلام



ناصر صبا

سرشناسه	: صبا، ناصر، ۱۳۳۰ - ، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام / ناصر صبا / ویراستار علی صبا.
مشخصات نشر	: تهران: فریاد، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	: ۲۳۲ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۷۸۴۹ - ۱۵ - ۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۱۹-۲۳۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: حسن بن علی (ع)، امام دوم، ۳-۵ ق.
موضوع	: Hasaibn Ali, Imam II, 624-570
موضوع	: حسن بن علی (ع)، امام دوم، ۳-۵ ق، سرگذشتنامه
موضوع	: Hasanibn Ali, Imam II, 624-670 - Biography
موضوع	: حسن بن علی (ع)، امام دوم، ۲-۵ ق - شعر
موضوع	: Hasanibn Ali, Imam II, 624-670 - Poetry
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه ها
موضوع	: Persian poetry - 20 th century - Collections
رده بندی کنگره	: BP ۴۰۰
رده بندی دیویی	: ۲۹۷.۹۵۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۷۴۷۹۵
وضعیت رکورد	: فیپا

کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام

ناصر صبا

ناشر: فریاد

طرح جلد: حمید سخا

چاپ و صحافی: فرهنگ و دانش

ویراستار: علی صبا

چاپ اول: اسفند ۱۴۰۰ ه.ش

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۷۸۴۹ - ۱۵ - ۸

قیمت: اهدایی

آدرس: خیابان جمهوری، خیابان باستان جنوبی، کوچه نوری،

بن بست اول، پلاک ۲

تلفن: ۰۹۱۲۲۴۷۷۰۰۰ - ۶۶۹۳۵۴۱۷

می‌خوانید

پیش‌گفتار	۷
فصل اول: آشنایی اجمالی بر زندگانی حضرت امام حسن مجتبی	
علیه‌السلام	۱۷
فصل دوم: فضائل و جلوه‌هایی از شخصیت امام مجتبی (ع)	۹۹
فصل سوم: چهل حدیث امام حسن مجتبی علیه‌السلام	۱۱۷
فصل چهارم: داستان‌هایی از سیره و روش امام حسن مجتبی	
علیه‌السلام	۱۳۱
فصل پنجم: جایگاه امام حسن (ع) نزد پیامبر (ص)، پیشوایان	
دینی و دیگران	۱۴۹
فصل ششم: آخرین سفارشات	۱۵۷
فصل هفتم: دلنوشته	۱۶۷
فصل هشتم: اشعار	۱۸۷
منابع	۲۱۵
کتاب‌های منتشر شده صبا در یک نگاه	۲۲۷

پیش‌گفتار

حسن یعنی تمام هست زهرا(س)

حسن یعنی کریم هر دو دنیا

حسن یعنی تمام عشق مادر

حسن یعنی عزیز قلب حیدر

مولای من!

در نیمه ماه آمدی که ماه کامل آسمان، به نورش ننازد و
در برابر چهره زیبایت، از ماه نو هم، کم نورتر شود.

وقتی آمدی، تمام شادی را با خود، به آغوش برترین
مادر، سرور بانوان عالم و والاترین پدر آوردی.

مادر چه زیبا به چهره ات می نگریست، با دو دست
بالایت می برد و برایت می سرود که:

«حسن جانم! مانند پدرت باش! و ریسمان از پای حق
باز کن!»

پدر بزرگ، که کلامش همه وحی الهی بود در حالیکه
بوسه بارانت می کرد، امام حسین و شما را آقا و سرور
جوانان بهشت می نامید و می فرمود:

«حسن و حسین، فرزندان من، آقایان جوانان اهل
بهشت هستند. هرکس با آنان دوستی کند با من دوستی

کرده و هرکه با آنان دشمنی کند با من دشمنی کرده ... و هرکس به آنان ستم کند، به من ستم کرده است»^۱.

در نظام عالم آفرینش وجود هر موجودی معلول و معلل^۲ به یک علتی است که مجموع آن هدف خلقت را تشکیل می دهد و امام در دستگاه آفرینش به منزله محور چرخ گردنده عالم چون خورشید عالم افروز است. آن نتیجه و اثری که نور خورشید در عناصر و موالید جماد و نبات و حیوان می بخشد همان استفاده از پرتو اشعه تابناک خورشید وجود امانت پر کلیه موجودات عالم، مسلم و غیرقابل انکار است.

امام به منزله عقل است در کشور تن که بر قوا و احساسات و غرائز درونی حکومت می کند.

امام حجت خدا بر خلق است و با علومی که از مکتب ربوبی سرچشمه گرفته میان مردم قضاوت و حکم می کند و به مقتضای محیط و زمان و مکان در ترویج شعائر دین و نشر معارف اسلام و حفظ سنت پیغمبر و آئین پاک قرآن از

جان و دل می کوشد بدون آن که هیچگونه توقعی از جامعه داشته باشد مشعل داری می کند. برای تعظیم سنن دینی گاه به کشته گشتن و گاهی به کشتن، مشعل هدایت و ارشاد را پایدار نگاه می دارد.

امام حسن مجتبی علیه السلام دومین اولی به تصرف در عالم بشریت است که در دانشگاه اسلام نیروی حلم و بخشش او بیش از دیگران ظهور و بروز داشت.

چهارده معصوم و ائمه دین علیهم صلوات الله اجمعین همه از نظر عصمت و تکامل معنوی و غرایز فاضله نفسانی مساوی و در یک سطوح بوده اند. فقر در نشئه طبیعت و سیر عملی این عالم هریک در یک یا چند صفت برجسته اقتضای زمان و مکان نیروی درونی خود را بیشتر ظاهر ساخته و روشن تر بروز داده اند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در زهد و پارسائی و عدالت و قضاوت، حضرت زهرا سلام الله علیها در حجب و حیا و عصمت و عشق به خانواده و مظلومیت، حضرت مجتبی علیه السلام در حلم و تحمل بر مصائب و دشنام های خصم برای مصونیت دین و جامعه مسلمین، امام حسین

علیه السلام در شجاعت و مظلومیت.^۱

امام حسن مجتبی علیه السلام اولین فرزند امام علی و فاطمه زهرا علیهما السلام، در نیمه ماه رمضان سال دوم یا سوم هجری در شهر مدینه به دنیا آمد و بعد از شهادت امام علی علیه السلام شش ماه حکومت کرد و در سال پنجاهم هجری، به وسیله زهری که همسرش جعه به دستور معاویه به او خوراند، در ۴۸ سالگی به شهادت رسید. مزار شریفش در قبرستان بقیع، در کنار سه امام معصوم دیگر، زیارتگاه خیل شیفتگان آن حضرت است.

جلال الدین سیوطی در کتاب «تاریخ الخلفاء» می نویسد: «امام حسن (ع) در سال سوم هجرت به دنیا آمد و شبیه ترین شخص به پیامبر اکرم (ص) بود، در روز هفتم تولدش، پیامبر (ص) گوسفندی را برای او عقیقه کرد و موی سرش را تراشید و هم وزن آن را نقره صدقه داد. او یکی از پنج نفر اهل کساء است. پیامبر (ص) فرمود: «پروردگارا! من او را دوست می دارم، پس او را دوست

۱. مجموعه زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، حسین عمادزاده، نشر طلوع،

داشته باش» و فرمود: «حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت‌اند». ابن عباس گفت: حسن بردوش پیامبر سوار بود، شخصی به آن حضرت گفت: ای پسر! خوب مرکبی را سوار شده‌ای! پیامبر فرمود: بلکه او را خوب راکبی است.^۱

امام مجتبی علیه السلام شخصیتی آرام، باوقار، متین، بخشنده و مورد توجه مردم بود. به فقیران و بینوایان رسیدگی می‌نمود و معمولاً بیش از حد درخواست آنها به آنان کمک می‌کرد تا زندگی‌شان تأمین گردد، زیرا روا نمی‌دید که سائلی بیش از یک بار از او چیزی بخواهد که موجب شرمساری اش شود. او در طول عمرش دو بار تمام ثروت و دارایی خویش را در راه خدا بخشید و سه بار تمام اموال خود را وقف کرد، نیمی از آن را برای خود و نیم دیگر آن را در راه خدا بخشش نمود.^۲

امام مجتبی علیه السلام، فردی شجاع، دلیر و مبارز بود و در جنگ‌هایی که در رکاب پدرش امیرالمؤمنین

۱. تاریخ الخلفاء، ص ۲۱۰

۲. سیره و سخن پیشوایان زندگانی چهارده معصوم، محمدعلی کوشا، انتشارات حلم،

علیه السلام می جنگید معمولاً در خطّ مقدّم حرکت می کرد. او در جنگ جمل و صفّین از مبارزان پرتلاش لشکر آن حضرت بود.

امام حسن علیه السلام مسئولیت امامت و رهبری را در جوّی مضطرب و ناآرام، در وضعی بسیار پیچیده و پرکشاکش که در پایان زندگانی پدر بزرگوارش امام علی علیه السلام بروز کرده بود، به عهده گرفت. در نتیجه وضع نابسامان مردمی که امام با آنان روبه رو بود تنها این راه باقی ماند که یا وارد جنگی بی حاصل و یأس آور شود، او و جماعتش به شهادت رسند، یا پس از سیری شدن مدّتی مواضع خود را مسجّل گردانند و صلحی را که به صلاح ملت است بر جنگ بی ثمر ترجیح دهد. و این امری طبیعی است که جنگی که مردم به آن دید شکّ می نگرند، بی نتیجه و یأس آور خواهد بود. نشانه های تاریخی بسیاری وجود دارد که به تأکید بیان می کند. امام حسن علیه السلام مواضع خود را به خوبی درک می کرد و می دانست که مبارزه او با معاویه، با وجود شکّ و تردیدی که در توده های مردم وجود دارد، محال است به پیروزی

برسد. کار طرفداران امام علیه السلام به حدّ خیانت رسید و از روی طمع به سوی معاویه گرایش یافتند و به دلیل پول و مقام و آسایشی که برای آنان فراهم آورد، رو به سوی او نمودند.

زعمای کوفه کار را به جایی رساندند که به معاویه نوشتند: هر وقت بخواهد امام علیه السلام را دست بسته نزدش می فرستند! و چون به امام می رسیدند به او اظهار اطاعت و ارادت می نمودند و می گفتند: «تو جانشین پدرت و وصی او هستی و ما سراپا در مقابل تو مطیع و فرمانبرداریم، هر فرمان که داری بفرمای!» امام به آنها می گفت: «به خدا قسم، دروغ می گوئید. به خدا سوگند شما به کسی که بهتر از من بود وفا نکردید، پس چگونه به من وفا می کنید؟ و چگونه به شما اطمینان کنم؟ اگر راست می گوئید، اردوگاه مدائن، میعادگاه و قرارگاه ما باشد، به آنجا بروید.»

امام به مدائن رفت، اما بیشتر سپاهیان، او را رها کردند. حال آیا امام مجتبی علیه السلام با چنین مردمی می توانست با معاویه بجنگد؟ هرگز. بنابراین، امام حسن

مجتبی علیه السلام به خاطر نداشتن نیروی کافی مطمئن، ناچار به پذیرش صلح تحمیلی شد.

برنامه و صلح امام حسن علیه السلام، چهره واقعی معاویه را آشکار ساخت و ماهیت او را به مردم نشان داد. به طوری که معاویه بعد از قبضه نمودن حکومت در یک سخنرانی گفت: «به خدا سوگند من با شما برای این جنگیدم که نماز بگزارید و روزه بدارید و حج بجا آورید و زکات بپردازید، بلکه به این منظور با شما جنگیدم که به شما فرمان دهم! و همانا این مقام را خدا به من عطا کرده در حالی که شما ناخشنود بودید. هان! من حسن را امیدوار کردم، چیزهایی را به او دادم و اکنون همه آنها زیر پای من است و به هیچ شرطی وفا نمی‌کنم!»

سیاست معاویه در طول بیست سال حکومت سرکوب و زور این بود که پیوسته برنامه‌ای تنظیم کند که وجدان و اراده امت را از میان ببرد و مردم را از اندیشیدن درباره مسائل بزرگ جامعه منصرف سازد، تا تنها در اندیشه گرفتاری‌های کوچک روزانه خود باشند و از هدف‌هایی که رسول خدا (ص) در پی آن بود منصرف شوند و تنها به

زندگانی و منافع شخصی خویش بیندیشند و به وجوهی که از بیت‌المال به دست می‌آورند فکر کنند.

برخی از شیوخ قبایل کوفه، با وجود اینکه از شیعیان امیرالمؤمنین علیه‌السلام بودند، از جاسوسان معاویه شدند و خبرها را در باب کوچک‌ترین حرکت یا مخالفت مردان قبیله گزارش می‌دادند آن‌گاه مأموران دولتی سر می‌رسیدند و کسانی را که خلاف معاویه چیزی گفته بودند یا حرکتی در سر می‌پروراندند دستگیر می‌کردند و نفّس مخالفان را قطع می‌کردند و این کوفه، خلافت بازپچه‌ای شده بود در دست کودکان بنی‌امیه.

معاویه به خوبی می‌فهمید که امام علیه‌السلام صاحب مکتب و هدف است و ناچار برای اجرای رسالت خود از هیچ کوششی خودداری نمی‌کند و همه سعی خود را در راه اعتلای مکتب و روش‌های دگرگون‌سازی امت به کار می‌برد، از این‌رو، احساس خطر می‌کرد، تا آنکه سرانجام، نقشه کشتن امام را طراحی نمود و آن حضرت را با سمی مهلک به وسیله «جعه» همسر امام، به شهادت رساند.^۱

۱. کتاب پیشوایان ما، نوشته عادل ادیب، ترجمه دکتر اسدالله مبشری، ص ۱۱۲ به بعد.